



# شکاف‌های دوزخی

امیدها و ناامیدی‌های ذاتی در الگوهای توسعه معاصر

نعود بالله، حتی خدا و رسول را نیز گماشتگان خودشان می‌دانستند. قاعدتاً بحث از توسعه غربی را باید از مقطع رنسانس آغاز کرد و تقابل شک‌گرایان در برابر دین‌داران؛ اما در این سو، اگر فعلاً به مقطع انقلاب مشروطه مراجعه کنیم، انقلابیون این دوره هنوز از نظام سلطنت قاجاری کلاً ناامید نشده بودند. بلکه صرفاً به دنبال ایجاد برخی از تغییر و تحولات سیاسی و یا خواستار اصلاحات کلی اقتصادی و اجتماعی بودند. در برابر این‌ها طرفداران وضع موجود قرار داشتند که تداوم ثبات و

دو الگوی توسعه و تکنولوژی غربی و بومی در مقایسه‌گفتمانی باهم، چه نسبتی با امید و ناامیدی دارند؟ بازتاب این مسئله در آثار هنری و فرهنگی، به‌ویژه سینما و صنعت فیلم‌سازی چگونه است؟ چرا و در طی چه فراز و فرودی، القای یاس و ناامیدی تبدیل به مهم‌ترین استراتژی رسانه‌های رقیب گفتمان انقلاب اسلامی شده است؟ و نهایتاً، تولیدات سینمای ایران و فیلم‌سازان معاصر ما در این مورد چه موضعی دارند و چه تصاویری را بازتاب می‌دهند؟ این‌ها پرسش‌های اصلی ما است. برای ریشه‌یابی تاریخی و ارائه تاریخچه مختصری از بحث پیش رو، اگر از دوران هبوط و مهبانگ صرف‌نظر کنیم (!) شاید بتوان از دوران انقلاب مشروطه شروع کرد و سپس به رنسانس غربی رسید و حتی تا تاریخچه قوم بنی‌اسرائیل پیش رفت! یعنی همان قومی که مهارت داشتند در ایراد گرفتن‌های بنی‌اسرائیلی و تفکر انتقادی. به حضرت موسی ع می‌گفتند: تو و خدایت بروید شهر را بگیرید و وقتی تمام دشمنان را نابود کردید، بعد ما می‌آییم؛ یعنی انگار

نعمت‌الله سعیدی  
نویسنده